

وقف، شاد کردن مومنین در هر دو دنیا!

اجتماع بشری مانند یک پیکر است که با اختلال یک عضو، سلامتی و نظمش بهم می‌خورد و برای برگشت دوباره سلامتی نیاز به همکاری و هماهنگی دیگر اعضا است. بنابراین وجود افراد نیازمند و درمانده، سلامتی روحی و روانی جامعه را خدشه دار می‌کند که همه توان مندان می‌بایست در رفع این مشکل بکوشند.

امروزه مشکلات اقتصادی از جمله دغدغه خانواده‌هاست و چه بسا افرادی که این غم و اندوه را در دل خویش پنهان ساخته و صورت هایشان را با سیلی سرخ نگه داشته‌اند.

از رسول اکرم (ص) پرسیدند: کدام کارها نزد خدا محبوب‌تر است؟ فرمود: دنیال سرور و شادی یک مسلمان بودن. سؤال شد: چگونه؟ فرمود: با سیر کردن شکم او، رفع غم و اندوه و پرداخت بدهی‌هایش.

براستی اگر بخواهیم در هر دو دنیا به شاد کردن مومنین و رفع گرفتاری آنها اقدام کنیم راهی به غیر از وقف می‌توان پیمود؟!

بازگرداند اما پس از او، دوباره ظلم و غارت بنی اسرائیل آغاز شد.

حدود ۷۳۰ ق.م شالمانصر (شلمنصر) به اسرائیل تاخت و عده ای از آنان را اسیر کرد و به جای آنها بابلیان را اسکان داد. در سال ۵۸۶ ق.م در زمان بخت النصر، کشور یهود مورد حمله آشوریان قرار گرفت که منجر به انحطاط و اسارت بنی اسرائیل شد. سرانجام کوروش پادشاه ایران، بابل را تسخیر کرد و یهودیان را آزاد ساخت و به فلسطین و اورشلیم بازگرداند. آسایش اورشلیم تا پایان سلطنت داریوش سوم ادامه داشت تا اینکه اسکندر مقدونی، در حدود ۳۲۳ ق.م به ایران، مصر، سوریه، فنقیه و فلسطین حمله کرد و ویرانی و قتل و غارت فراوانی به بار آورد.

پس از اسکندر، جانشینان او بر فلسطین مسلط شدند. از سال ۶۳ ق.م دوره تسلط رومیان آغاز شد که پس از جنگهای فراوان، به ارمنستان و قسمتی از آسیا و آفریقا، سپس سوریه و فلسطین حمله بردند. دوازده هزار یهودی را کشتند و دیوارهای شهر را ویران ساختند.

در چنان شرایطی، ظهور مسیح امید و آرزوی یهودیان بود تا آنان را نجات بخشد. اما روحانیون یهود به او حسادت میورزیدند و می‌خواستند او را از میان بردارند و سرانجام به فتوای شورای یهود و جوسازی های آنان، حضرت عیسی (ع) توسط حکمران رومی سرزمین یهودا به اعدام محکوم و مصلوب شد.

در سال ۷۰ م تیتوس فرزند امپراتور روم با هشتاد هزار سرباز، اورشلیم را محاصره کرد و پس از چند ماه مقاومت یهودیان، سرانجام رومیان فاتح شدند و قوم یهود دوباره آواره گشت. خسرو دوم پادشاه ساسانی، امپراطوری روم را شکست داده و با راهنمایی یهودیانی که با ایران همکاری می‌کردند اورشلیم (فلسطین) را فتح کردند. اما پس از مرگ خسرو پرویز، این سرزمین دو باره به دست مسیحیان افتاد.

در زمان خلیفه اول مسلمین (ابوبکر)، او سپاهی را روانه سوریه و فلسطین کرد که با درگذشت او، در زمان خلیفه دوم، عمر، سوریه و بیت المقدس به دست مسلمین افتاد و رومیان در آنجا شکست خوردند. اهالی شهر مقاومت زیادی کردند اما طولانی شدن محاصره و مشکل غذا آنان را مجبور به تسلیم کرد و قرارداد صلح منعقد شد. و از آن سال یعنی ۱۵ ه

فلسطین در دست مسلمانان بود.

از سال ۱۰۹۵ م. با تهاجم اروپائیان علیه مسلمانان جنگهای صلیبی آغاز شد که حدود دو قرن ادامه یافت. اگر چه این جنگ علت‌های گوناگونی داشت اما مورخان یکی از علل آنرا، مساله فلسطین و شهر بیت المقدس و خراجگزار بودن مسیحیان این شهر برای مسلمانان ذکر می‌کنند. صلیبیون پس از نبردی سخت و محاصره طولانی بیت المقدس، وارد شهر شده و دست به قتل عام زدند و همه چیز را به عنوان غنیمت، غارت کردند.

بدین سان مسیحیان ۹۰ سال بر فلسطین حکومت کردند. در مراحل پایانی جنگ دوم صلیبی (۱۱۴۹-۱۱۴۷ م) مطابق با ۵۴۴-۵۴۲ ه صلاح الدین ایوبی صلیبیون را تار و مار کرد و بیت المقدس را باز پس گرفت و آنها را از سوریه و مصر و سایر مناطق بیرون راند.

پس از هفتمین جنگ صلیبی و مرگ آخرین پادشاه سلسله ایوبی، ممالیک حدود سه قرن زمام امور را در دست گرفته و بیت المقدس را نیز در اختیار داشتند و با سپاه مغول جنگیدند و آنها را شکست دادند و بازماندگان صلیبی ها را در عکا ناپود ساختند. از سوی دیگر سلسله عثمانی با جنگهای طولانی و فتوحات عثمانی غازی در نبرد با مغولان و یونانیان، پایه گذاری شد. در زمان سلطان محمد فاتح در سال ۱۴۵۳ م. شهر قسطنطنیه که مهمترین مرکز اقتدار صلیبیون و پایتخت روم شرقی بود فتح شد و به مدت ۵۰۰ سال به پایتخت امپراطوری عثمانی تبدیل گردید.

اواخر قرن نوزدهم شورشهایی در فلسطین به وجود آمد. انگلستان در این سالها مدافع عثمانی بود، ناگهان تغییر روش داد و در برابر عثمانی قرار گرفت و از شورشیان حمایت کرد. از جمله «حسین، امیر مکه» را که نماینده عثمانی در حجاز و مردی جاه طلب بود تحریک کرد با حمایت انگلیس از عثمانی جدا شود. در چنین شرایطی عده ای از یهودیان، اندیشه ملت واحد یهود را مطرح کردند و برای تشکیل کشوری مستقل دست به اقداماتی زدند که کار آنها مورد تشویق و حمایت دولت انگلیس قرار گرفت.

این عده با گرفتن کمکهای مالی از یهودیان ثروتمند، برای پیشبرد مقاصد خود حزبی تشکیل دادند و نام صهیون را بر خود نهادند. در سال ۱۹۱۶ قرارداد «سایکس - پیکو»

میان روسیه، فرانسه و انگلیس به امضا رسید تا به موجب آن

سرزمینهای تجزیه شده از عثمانی را میان خویش تقسیم کنند. اما انگلیس که چندی بعد آن پیمان را مغایر با سلطه خود بر کانال سوئز دید در سال ۱۹۱۷ با استفاده از ضعف روسیه و انقلابی که در آن کشور به وقوع پیوست، از پیمان سرباز زد و فلسطین را تحت قیمومیت خویش درآورد.

انتفاضه چیست؟

انتفاضه واژه ایست که از سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶ ه.ش) وارد فرهنگ انقلابی سیاسی مصطلح امروز شده است. تا پیش از این زمان لفظ انتفاضه فقط در کتابهای لغت مشهود بود ولی با خیزش توده های مسلمان فلسطین و استمرار آن. امروز شاید کمتر کسی باشد که نسبت به انتفاضه (قیام اسلامی فلسطین) بی اطلاع باشد.

انتفاضه از نظر لغوی یعنی جنبش و لرزش و حرکتی که همراه با نیرو و سرعت باشدواز نظر سیاسی و اجتماعی انتفاضه یا قیام عبارت است از رفتار و عملکرد معترضان و شجاعانه مستمر مردم غیر مسلح فلسطین در قبال رژیم صهیونیستی اسرائیل.

بدیهی است که عامل تعیین کننده انتفاضه متکی به حضور آگاهانه و عملی مردم است و اگر نقش مردم را از قیام حذف نماییم. قیام عملا مفهومی نداشته و در واقعیت به منصفی ظهور نخواهد رسید. قیام و انتفاضه و انقلاب از نظر مفهوم دو واژه نزدیک به هم هستند. مقدمه هر انقلابی قیام می باشد.

فلسطینیان معترض و خشمگین نسبت به نیروهای اشغالگر در مقابله با صهیونیستهاز سنگ استفاده میکنندو با پرتاب سنگ به طرف اشغالگران از خودشان دفاع میکنند و به همین جهت از انتفاضه به عنوان انقلاب سنگ یاد میشود.

اولین انتفاضه که از آن به عنوان (انتفاضه بزرگ) یاد میشود در دسامبر ۱۹۸۷ ودر پی جریان یک حادثه رانندگی در جنوب اسرائیل بوقوع پیوست. در آن ماجرا چند تن از کارگران فلسطینی کشته شدند. همین امر به آغاز شورشها در اردوگاههای آوارگان در نوار غزه انجامیدکه به کرانه باختری سرایت کرد.

سازمان آزادیبخش فلسطین که مقر آن

در آن زمان در تونس بود. بشدت غافل گیر شد. اما عرفات بلافاصله بخود آمد و هدایت خشونت‌ها را با موفقیت به دست گرفت. این مبارزات که با سنگ پراکنی همراه بود تبدیل به یک مبارزه ی ملی شد.

پس از کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۱ بود که شورشها فروکش کردو توافق اسرائیل-سازمان آزادیبخش فلسطین در سال ۱۹۹۳ به استقرار دولت خود گردان فلسطین و عقب نشینی اسرائیل از شهرهای مهم نوار غزه و کرانه ی باختری و سر انجام برقراری حاکمیت عملی حکومت خود گردان به برخی از مناطق منتهی گردید.

شعله های انتفاضه با آغاز مذاکرات صلح اسرائیل-فلسطین به خاموشی گراییدولی بدلیل اینکه فلسطینیان نتوانستند از طریق مذاکره به حقوق خود دست یابند. پس از گذشت هفت سال دوباره به انتفاضه روی آوردند. آنان به این نتیجه رسیده اند که حقوق آنها تنها از طریق مبارزه و قیام انتفاضه محقق خواهد گردید.

انتفاضه دوم مردم فلسطین که به (انتفاضه الاقصی) مشهور است و هم اکنون نیز در جریان است پس از ورود آریل شارون رهبر حزب لیکود و قصاب معروف اردوگاههای فلسطینی صبراوشتیلا به مسجد الاقصی در روز پنجشنبه ۷ مهر ۱۳۷۹ وسخرانی او در جمع اطرافیان مبنی بر مشروعیت حقوق اسرائیل نسبت به مسجد مزبور به وقوع پیوست که بدنبال آن موجی از خشم و نفرت را در میان فلسطینیان ایجاد نمود و خیلی سریعتر از حد تصور سراسر سر زمینهای اشغالی را فرا گرفت.

با وقوع انتفاضه مردمی فلسطین و استمرار آن تشکیلات خود گردان با توجه به برگ برنده ای که بدست آورده بودسوار بر موج حوادث شد تا از انتفاضه بعنوان اهرم فشار در مذاکرات صلح با اسرائیل استفاده کند. طبیعی است که تشکیلات خود گردان نمیتوانست در مقابل این موج فرار گیرد. زیرا موج جدید انتفاضه یک قیام کاملا مردمی بود که تمامی سرزمینهای اشغالی را فرا گرفته بود و عرفات نمیتوانست آن را کنترل نماید. اگر او با انتفاضه مخالفت میکرد به ناچار میبایست در مقابل مردم فلسطین می ایستادو این امر هرگز به نفع یاسر عرفات نبود.

اما انتفاضه و قیام اسلامی مردم فلسطین حرکتی خود جوش و مردمی است که امید میرود با حمایت های



قال رسول الله (ص):

من أصبح و لم یهتّم بامور المسلمین فلیس مسلم؛

هر کس در هر بامداد در اندیشه کار مسلمانان نباشد، مسلمان نیست.»

هرگز شادمان



شاخص

روز قدس چه روزی است؟

امام خمینی:

روز قدس، روز احیای اسلام است، اسرائیل، دشمن بشریت، دشمن انسان، که هر روز غائله ایجاد می کند و برادرهای ما را در جنوب لبنان به آتش می کشد، باید بداند که دیگر اربابه‌ای او رنگی ندارند در دنیا، و باید انزوا اختیار کنند، طمعها را از ایران باید قطع کنند، دستهای آنها باید از همه ممالک اسلامی قطع شود، عمال آن در همه ممالک اسلامی باید کنار بروند.

خطر عادی سازی از تباط با اسرائیل

دولتهای اسلامی با بهانه های مختلف و برای خاطر شاد کردن دل آمریکا، نباید ارتباطشان را با این رژیم غدار ستمگر غاصب – که خطری برای همه منطقه و همه ملتها و دولتهاست – عادی کنند؛ نباید به خاطر آمریکا، روی خوش به این رژیم نشان بدهند، که این کار زشتی است. دلیل زشت بودن این کار هم این است که آن کسانیکه مرتکب این عادی سازی میشوند، لاقل در اوایل کار، آن را پنهان نگه میدارند؛ لذا کار زشتی است که پنهانش میکنند. کار زشت را نباید انجام داد، نه اینکه پنهان کرد. بنابراین، روز قدس انشاء… پرشورتر از همیشه برگزار شود.

ما و مساله فلسطین

مظلومیت ملت فلسطین چیزی نیست که در آن جای پرسش و ابهام وجود داشته باشد. هم اکنون پنجاه و شش سال است که فلسطینیان مظلوم، طی مراحل مختلف ازخانه و کاشانه خویش آواره شده اند، برخی را کشتند و برخی را به اسارت گرفتند و برخی را با زور و تخریب و تهدید آواره کردند، هنوز هم فرزندان این ملت در برابر چشم جهانیان دراردوگاه های مختلف، در اراضی اشغالی و در کشورهای همسایه به صورت تبعیدی و آواره زندگی می کنند.

شهرک های صهیونیستی روزبروز گسترش می یابد و صاحبان فلسطین، بارها و بارها، مورد بیرحمانه ترین

یورش های وحشیانه قرار گرفته و می گیرند. فاجعه های جانخراشی همچنان کشتارهای صبرا و شتیلا و کبر قاسم و دیر یاسین و اخیرا فاجعه جنین و… در برابر دیدگان جهان باصطلاح متمدن و مدعی حقوق بشر و دموکراسی و آزادی انجام گرفته و می گیرد و کدخدایان این دهکده جهانی نه تنها جلوی این بچه شورو را نگرفتند، بلکه خود، او را تولید و تربیت و مسلح و تجهیز کردند. و در برابر آدم کشی ها و غارتگری ها به او مدال صلح و تمدن دادند.

راهکار آزادی

گسترش روح شهادت طلبی، افزایش بیداری امت اسلامی، تقویت اتحاد و همفکری و همکاری مسلمانان، تکیه بر توان ملت ها، عدم توجه و اتکا به وعده و وعیده‌های نهادها و سازمان های بین المللی، و قطع امید از قدرت های سلطه گر برای مهار رژیم صهیونیستی، شرط رهایی و راهکار آزادی مسلمین فلسطین است. آمریکا و انگلیس و نهادهای بین المللی تحت فرمان آنان، شریک دزدند و رفیق قافله، به تعبیر امام قدس سره «اگر ملت ها نشسته اند که آمریکا برای آن ها کار بکند، یا دست نشانده های آمریکا برای آن ها کار بکنند، این قافله تا به ابد لنگ خواهد بود».

چه باید کرد؟

پاسخ گفتن به استغاثه مظلومان، وظیفه عقلی و شرعی و آوای فطرت اصیل انسانی است. این فریاد آزادی بخش علوی است که هنوز از نهج البلاغه به گوش می رسد: «کونا للظالم خصما و للمظلوم عونا ؛ خصم ستمگر و یار مظلومان باشید.»

این صدای پیامبر رحمت است که: «من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم؛ هر کس آوای استمداد از مسلمانان را بشنود و به آن پاسخ نگوید، مسلمان نیست.»

و بالاتراز آن، این پیامبر آزادی، رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که هشدار می دهد: «من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم؛ هر کس در هر بامداد در اندیشه کار مسلمانان نباشد، مسلمان نیست.» شگفتا!بااین رهنمودهای عالی انسانی و اندیشه های آزادی بخش و اصل دفاع مشترک امت

اسلامی، چگونه برخی به بهانه ملی گرایی خود را در برابر دیگر مسلمانان مسؤوَل نمی بینند و به جای دفاع از اسلام و مسلمانی، شعار ایران و ایرانی می دهند و مسلمانان را نسبت به سرنوشت یکدیگر بی تفاوت می خواهند. به تعبیر شهید بهشتی رحمه الله «اسلام یک آئین جهانی است و مسلمان به سعادت انسان به صورت یک کل نگاه می کند و در راه نجات انسان به صورت یک کل تلاش می کند. اصولا محدود کردن آرمان های یک انقلاب در نجات یک ملت، شرک است. گذشته از اینکه بر اساس جهان بینی اسلام، نجات یک ملت از نجات همه انسان ها نمی تواند جدا باشد» .

انحصار اهداف انقلاب اسلامی به رفاه ایران و ایرانی، نوعی کوتاه بینی است و آزادی و سعادت و رفاه هر قطعه از بلاد اسلامی، بستگی به آزادی و آسایش عموم مسلمین بلکه سعادت عموم بشریت دارد.

نجات فلسطین=نجات مسلمین

ملت های اسلامی در برابر جنایات استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی وابسته به آن، سه راه بیشتر ندارند:

۱- مبارزه و جهاد و همفکری و همکاری همه ملت های مسلمان در حمایت از ملت مظلوم فلسطین، که چون سدی استوار در برابر سلطه کفر جهانی بر دیار اسلام ایستاده است و زنان و مردانش باعملیات شهادت طلبانه، امنیت را از غاصبان اراضی مسلمین سلب کرده اند. اگر این حمایت صورت گیرد، و سد مقاومت بشکند، اسرائیل از نیل تا فرات بلکه مکه و مدینه و کل جهان را ملک خویش می داند و خود را نژاد برتر می شناسد که همه برای خدمت به آن آفریده شدند.

۲- بی تفاوتی و بی طرفی، که برخلاف وجدان بشری و وظیفه مسلمانی است و هر روز بر طمع ورزی های اسرائیل می افزاید و بخشی دیگر از سرزمین های مسلمانان را غصب می کند و به سلطه تدریجی یهود بر عالم اسلام می انجامد.
۳- همکاری با صهیونیسم جهانی و نوکری اسرائیل، که بر اساس وحی آسمانی و تجربه تاریخی دشمن شماره یک اسلام و مسلمین است. شما کدام راه را بر میگزینید؟!

سند افتخار

روحانیت ایران

دیدگاه آیت الله العظمی میلانی درباره معامله و مراوده با یهودیان هوادار صهیونیسم را که در ایام جنگ های شش روزه اعراب و اسرائیل به امت اسلامی ابلاغ شده است، به عنوان حکم شرعی و سند افتخار روحانیت اسلام :

بسم الله تعالی شانه

بر همه مسلمانان لازم است از هر گونه معامله و رفتار دوستانه با اسرائیلیان ، خودداری نمایند و نیز لازم است نسبت به برادران مسلمان و مصیبت دیدگان ، از هر نوع مساعدت مادی و معنوی دریغ ننمایند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم » و بسیار مقتضی است اقامه مجلس یادبود برای لشکریان اسلام که در این جنگ تا آخرین نفس مقاومت کرده و با کمال شهامت از حدود و ثغور کشورهای اسلامی و مسجد اقصی دفاع نمودند. البته نام نیک خود را در روزگار به ودیعت گذارند.

ایران و مسئله فلسطین

یکی دیگر از اسناد جالب توجه در زمینه روابط ایران و اسرائیل، نامه آیت الله حائری یزدی است که سالها پیش از برآمدن دولت اسرائیل خطاب به رضاشاه پهلوی بوده، وی را در زمینه مساعدت به مسلمانان فلسطین تشویق می نماید و با یک موضع گیری ملایم، در صدد جلب همکاری حکومت پهلوی در خصوص پشتیبانی از مواضع ضد صهیونیستی است.

اما با گذر از این سند تاریخی، باید گفت رژیم سلطنتی پهلوی در ایران، موجودیت حکومت اسرائیل را به صورت مشروط پذیرفت و به دستور محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۳۳ ه.ش قرار داد فروش نفت بین ایران و اسرائیل منعقد شد. این قرارداد پس از سه سال علنی گردید و میزان صادرات نفت ایران به اسرائیل طی این سه سال به دو برابر افزایش یافت.

همچنین به توصیه آمریکا، اسرائیل حضور پرتنگ تر خود را در سازمانهای اطلاعاتی ایران ادامه داد.

پس از سال ۱۳۳۷ ه . ش با توجه به اتحاد دو کشورمصر و سوریه، روابط سیاسی ایران و اسرائیل گسترش یافت و در همان سال نماینده سیاسی اسرائیل وارد تهران شد و یک سال بعد دفتر سیاسی ایران در تل

آویو گشایش یافت.

با روی کار آمدن هویدا، روابط ایران و اسرائیل توسعه یافت و سرانجام شاه در سال ۱۳۴۶ ه . ش از کشورهای عرب درخواست کرد تا موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسند. همچنین در همین سال شاه در یک مصاحبه، آشکارا موجودیت اسرائیل را پذیرفت.

البته باید به این نکته اشاره نمود که این روابط همواره مورد اعتراض روحانیون از جمله آیت الله کاشانی و گروههای مذهبی – سیاسی نظیر فدائیان اسلام قرار گرفت. شناسایی اسرائیل از سوی شاه نیز در همان زمان با مخالفت آیت الله کاشانی، شیخ سلنتوت ریاست الازهر مصر و آیت الله بروجردی مواجه شد و قطع روابط مصر و ایران را در پی داشت.

امام خمینی رحمه الله نیز در این دوران از جمله رهبران مخالف سیاستهای اسرائیل پذیری در ایران به شمار می رفت.

امام در سخنرانی عصر عاشورای ۱۳۴۲ ه . ش به شاه و اسرائیل یورش برد و در سال ۱۳۴۳ ه . ش تمام گرفتاریهای ملت ایران را ناشی از اسرائیل دانست و در سال ۱۳۴۷ ه . ش جواز صرف بخشی از حقوق شرعیه را برای تسلیح و مجهز ساختن مجاهدان فلسطین صادر کرد. امام در اقدامی دیگر در سال ۱۳۵۲ ه . ش از کشورهای درگیر با اسرائیل خواست در نبرد با اسرائیل پایدار و استوار بمانند.
فقتار بدون اغراق شهید فتحی شقافی در همین راستا قابل تعبیر است: «خطرناک ترین قضیه قرن (قضیه فلسطین) در صدر اهماتام ابرمرد قرن (امام خمینی) قرار داشت.»

فلسطین شناسی

آشنایی با تاریخ فلسطین

فلسطین سرزمینی عربی و اسلامی است، که در قدیم کنعان نام داشت، حدود ۲۴۰۲۷ کیلومتر مربع مساحت دارد که دریای مدیترانه در غرب، لبنان در شمال، سوریه و رود اردن در شرق و دریای سرخ و شبه جزیره سینا در جنوب و جنوب غربی آن قرار دارد.

فلسطین سرزمینی حاصلخیز و دارای آب و هوای معتدل است. این

منطقه محل ظهور پیامبران بزرگی چون عیسی (ع)، موسی (ع) ومحل عبور و زندگانی حضرت ابراهیم (ع) بوده است. این سرزمین از نظر موقعیت سوق الجیشی بسیار حساس و پراهمیت است به مثابه پلی است که کشورهای عربی، اسلامی آسیا را به آفریقا متصل می‌کند.

این موقعیت ویژه جغرافیایی فلسطین را در طول تاریخ گذرگاه و نقطه تمرکز بسیاری از کشورها و تمدنهای پیاپی تبدیل کرده بود تا اینکه همراه با سایر سرزمینهای عربی، به کشوری با هویتی اسلامی و عربی تبدیل شد. شهر اورشلیم با بیت المقدس قدیم بر فراز یک تپه بنا گردیده و از مکان‌های مهم فلسطین است. کوه صهیون و کوه زیتون از شرق و غرب آن را احاطه کرده اند.

کنعانیان نخستین اقوامی بودند که از شبه جزیره عربستان به فلسطین آمدند و در این سرزمین سکونت گزیدند. آنان در فلسطین با آموریان و فلسطینیان در هم آمیختند و از سال ۲۵۰۰ ق.م فرمانروایی ایجاد کردند که ۱۵ قرن ادامه داشت. تاریخ فلسطین با نام انبیا آغاز می‌شود. نام حضرت یعقوب، اسرائیل بود. بنی‌اسرائیل فرزندان یعقوب بودند و حدود سیزده قرن قبل از میلاد اقتدار داشتند. در هنگام حکومت فرعون بر مصر و پیش از ظهور موسی (ع) جمعیت اسرائیلیان زیاد شد. ۴۳۰ سال پس از ورود یعقوب به مصر، حضرت موسی (ع) قوم بنی اسرائیل را از سرزمین مصر به مقصد سرزمین موعود، به حرکت درآورد. پیمودن این مسافت چهل سال طول کشید. حضرت موسی در این دوران طولانی از هدایت قوم فروگذار نکرد اما بنی اسرائیل بارها دست به طغیان و تجاوز زدند.

پس از حضرت موسی (ع)، یوشع جانشین وی شد و بنی اسرائیل را از اردن عبور داد تا اینکه این قوم به شهرهای جدید رسیدند و دست به غارت و کشتار اهالی زدند. اما قوم فلسطین در مقابل آنان مقاومت کرد و سرانجام

بنی اسرائیل را مغلوب ساخت. لیکن پس از جنگهای فراوان، مجدداً بنی اسرائیل قدرت گرفتند و بر شهرها مسلط شدند. در حدود ۱۰۰۰ ق.م حضرت داوود توانست اورشلیم را از دست فلسطینیان خارج کند و بیت المقدس یا خانه خدا را در آنجا بنا کند. این بنا توسط حضرت سلیمان تکمیل

شد. سلیمان، چهل سال سلطنت کرد و آرامش را به قدس